

# من روحانی هستم

پاییز ۱۳۹۲

این فیلم روایتی از زندگی حجة الاسلام حسن روحانی یازدهمین رئیس جمهوری ایران است.

# بسم الله الرحمن الرحيم

## راهنما متن:

- محتویات داخل کادر: خاطرات حجه السلام روحانی از کتاب خاطراتشان
- متون با فونت عادی: نریشن مستند
- متون با فونت بولد: مصاحبه ها و صداهای حجه السلام روحانی و دیگران

روز ۱۷ اردیبهشت ۱۳۶۶، ویلیام کیسی رئیس وقت سازمان سیا، هنگامی که در دادگاه به اتهام طراحی سفر غیر قانونی مشاور عالی امنیت ملی رئیس جمهور آمریکا به تهران بازجویی میشد، ناگهان در جایگاه خود سخته کرد و جان سپرد.

مرگ وی یکی از مهمترین فرازهای رویدادی است که آمریکایی ها نام آن را در پرونده رفتار خود با جمهوری اسلامی ایران «ایران گیت» نهاده اند.

مذاکراتی محرمانه بین هیات دیپلماتیک آمریکایی و هیات ایرانی در هتل آزادی تهران که قرار بود کلید قفل روابط دو کشور ایران و آمریکا شود. (۴۰ تدبیر؛ ص ۱۰۸)

سه نفری که حلقه اصلی هیات ایرانی را تشکیل می دهند فریدون وردی نژاد، دکتر هادی و همینطور حجة السلام حسن روحانی هستند. (خاطرات هاشمی رفسنجانی؛ ۴ خرداد ۱۳۶۵)

وله : روحانیت شیعه یعنی روحانیتی که در پست مراقبت است. / روحانیت و سپاه پاسداران که ما می بینیم هردو دقیقاً نهادهای انقلابی این سرزمین هستند. / خبرنگارهای امریکایی و انگلیسی از تمام خصوصیات ناوهای ما با خبر می شدند. / ما در سال ۶۴ یک جلسه ای تشکیل دادیم با نمایندگان مجلس، البته معروف بود به جلسه ی عقلا. / پروتکل الحاقی را جمهوری اسلامی ایران امضا خواهد کرد، با ملاحظاتی که قبلاً بهش اشاره کردم / هم اکنون نیز نماینده ی ایشان در مهمترین نهاد سری کشور یعنی شورای عالی امنیت ملی هستیم. / ملت بزرگوار ایران کسی که اکنون در محضر شماسهت حسن روحانی متولد ۱۳۲۷ در سرخه از استان...

اوایل خرداد ۶۵ بود، هواپیمای ناشناس اجازه فرود در فرودگاه قلعه مرغی را می گیرد. هواپیما اروپایی است و خدمه ایرلندی دارد، بعد از اجازه برج مراقبت چند دور میچرخد و در باند فرودگاه می نشیند. پس از نشستن معلوم می شود مسافران این هواپیما یک هیأت دیپلماتیک آمریکایی هستند. (کتاب مک فارلین با چشم باز؛ ص ۷-۱۱)

آمریکایی ها به همراه خود یک کیک کلیدی شکل برای باز کردن قفل روابط دو کشور و یک انجیل آورده اند که رئیس جمهور آمریکا پشت آن را امضا کرده بود. در هواپیما هم مقداری از سلاح های مورد نیاز ایران وجود دارد. (کتاب مک فارلین با چشم باز؛ ص ۱۵)

خبر ورود هیأت آمریکایی به دفتر ریاست جمهوری رسید رؤسای قوا تشکیل جلسه دادند تا ببینند با این مهمانان ناخوانده چه باید کرد؟ (کتاب مک فارلین با چشم باز؛ ص ۱۱)

بعد از تشکیل جلسه امام در جریان حادثه قرار می‌گیرند و دستور می‌دهند " تا وقتی مشخص نشده که ایشان دقیقاً چه کسانی هستند کسی حق صحبت با آن‌ها را ندارد و هیچ پیامی را از آن‌ها نگیرند" (کتاب مک فارلین با چشم باز؛ ص ۱۱)

مامورین امنیتی فرودگاه با هیأت آمریکایی صحبت کردند . معلوم شد سر تیم هیأت آمریکایی رابرت مک‌فارلین مشاور عالی امنیت ملی ریگان است که تا تهران اسم و سمت خود را مخفی داشته بود. (کتاب مک فارلین با چشم باز؛ ص ۱۰)

در آنجا مک فارلین تقاضای دیدار با رئیس جمهور ایران را می‌کند تا پیغام رئیس جمهور آمریکا را به وی تحویل دهد. اما رئیس جمهور حاضر به دیدار او نبود. وی درخواست خود را در مورد نخست وزیر و رئیس مجلس هم تکرار کرد. (کتاب مک فارلین با چشم باز؛ ص ۱۱)

هاشمی رفسنجانی که در آن زمان رئیس مجلس است، پیگیری قضیه را بر عهده گرفت. وی از حسن روحانی که در آن زمان یکی از نمایندگان فعال مجلس شورای اسلامی است، می‌خواهد برای کنترل سلاح‌های همراه و اداره مسائل سیاسی و مذاکرات همکاری کند. (خاطرات هاشمی؛ ۴ خرداد ۶۵)

روحانی : تو را و فرزند عزیزت را هر دو اِلِی الارض التی بارکنا فیها للعالمین، کنار حرم امیرالمؤمنین و بگذار موج نویی در حوزه ی قوی و کهنسال نجف هم ایجاد شود و بگذار جهانیان بیشتر و بهتر تو را بشناسند ای ابراهیم زمان!

اما این روحانی که بود که برای این مسئولیت مهم انتخاب شد؟

حسن روحانی متولد ۹ دی ماه ۱۳۲۷ مصادف با ۲۸ صفر در شهر سرخه ی سمنان است . در شناسنامه تولدش ۲۱ آبان ۱۳۲۷ قید شده ، اما به گفته مادرش در ۲۸ صفر آن سال به دنیا آمده است . (خاطرات حسن روحانی؛ ص ۲۹)

خانواده اش مذهبی بودند و در فامیل روحانی زیاد داشتند، همین عاملی شد برای اینکه روحانی هم حوزه علمیه را برگزیند. در ۱۲ سالگی به حوزه علمیه سمنان می‌رود و یک سال بعد برای تحصیل در یکی از بهترین حوزه های علمیه وقت راهی قم می‌شود. (خاطرات حسن روحانی؛ ص ۵۷، ۶۱، ۸۵)

روحانی: نهضت و انقلاب از سال ۱۳۴۱ شروع شد و از همان شروع این نهضت و انقلاب بنده هم به عنوان یک سرباز کوچک در کنار این انقلاب بودم و اولین باری که تحت تعقیب قرار گرفتم که جوانی بودم حدود ۱۴ ساله در دی ماه ۱۳۴۱ بود به خاطر پخش اعلامیه ی حضرت امام در سمنان.

من از سال ۱۳۳۹ نام امام رو شنیده بودم با اینکه اون زمان امام خیلی معروف نبود.

بعد از سال ۴۰ بسیاری از اساتید ما از شاگردان امام بودند و از سال ۱۳۴۱ که نهضت آغاز شد.

خب اعلامیه ی امام در کنار اعلامیه سایر مراجع تفاوت هایی داشت، جاذبه هایی داشت و نسل جوان اون زمان رو و طلاب جوان رو بیشتر جذب می کرد و جذب کرده بود.

روحانی در حوزه علمیه از حضور اساتیدی چون شهید بهشتی، آیت الله جنتی، آیت .. سعیدی و آیت .. مشکینی بهره می برد. این اساتید در آن زمان معتقد بودند باید در درس های حوزه دروس جدید هم اضافه شود و حوزه متحول گردد. (خاطرات حسن روحانی؛ ص ۱۰۰-۱۲۵)

در آن سال ها نقل قولی از آقای مطهری می شد که امروز بر همه طلبه ها لازم است دروس جدید را در حد دیپلم فراگیرند. حسن روحانی با شنیدن این نقل قول ها و تشویق های آقای مکارم شیرازی تصمیم به تحصیل و اخذ دیپلم همزمان با دروس طلبگی می گیرد. (خاطرات حسن روحانی؛ ص ۲۸۳-۲۸۴)

از طرفی عده ای هم خواندن دروس جدید برای طلاب را نادرست و حتی حرام می دانستند. (خاطرات حسن روحانی؛ ص ۲۸۴)

ناچار بودم در کنار درسهای حوزه، دروس جدید را هم بدون معلم وبا تکیه بر تلاش شخصی خودم و عمدتا در آخرشبها بخوانم. کتابها را در زیر لحاف و تشک خود در گوشه حجره مخفی میکردم تا کسی نبیند. (خاطرات حسن روحانی؛ ص ۲۸۴)

روحانی در شهریور سال ۴۷ توانست دیپلم بگیرد و در کنکور سال ۴۸ در رشته حقوق قضایی دانشگاه تهران قبول شد. حضور یک طلبه جوان با لباس روحانیت در دانشگاه تهران آن زمان خیلی هم راحت نبود. (خاطرات حسن روحانی؛ ص ۳۲۸، ۲۸۶، ۳۵۴)

همزمان با تحصیل در دانشگاه تهران به علت آشنایی با استاد مطهری و دیگر وعاظ مطرح تهران به سخنرانی های تبلیغی هم می پرداخت. روحانی فن بیان بسیار قوی ای داشت و یک منبری کار کشته بود. (خاطرات حسن روحانی؛ ص ۳۷۸)

روحانی : رابطه ی مردم و ملت با رهبران مذهبی ، رابطه ی جامعه با گروهی که باید در جامعه مقتدا باشند.

برای اینکه فعالیتهای بعد از دانشگاهش بدون بهانه رژیم باشد به خدمت سربازی هم می‌رود. حضور یک روحانی در پادگان نظامی هم کم ماجرا نبود. (خاطرات حسن روحانی؛ ص ۳۶۸)

روزهای اولم در پادگان سرلشکر امین افشار، فرمانده پادگان در سرکشی از گروهانمان، دستور داد بروم ریش‌هایم را کوتاه کنم. گفتم من ریش را نمی‌تراشیم. گفت چرا؟ گفتم چون معمم هستم و آخر هفته منبر دارم. گفت برای تو الان که نظامی هستی سخنرانی ممنوع است. گفتم نه ممنوع نیست. من حقوق دان هستم و میدانم!

تا آخر دوره با همین امین افشار بر سر کوتاه کردن ریش مشکل داشتم. (خاطرات حسن روحانی؛ ص ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰)

زندگی طلبگی سختی‌های زیادی هم داشت. شروع دوران دانشجویی اش در اتاق ۳\*۳ خرپشته خانه دایی اش در خیابان پیروزی زندگی می‌کرد. روحانی با دختر خاله اش ازدواج کرده بود و این اتاق برای زندگی دو نفره ی آنها خیلی کوچک بود. چند وقت بعد که فرزند اولشان، زهرا، به دنیا می‌آید، دو اتاق طبقه همکف منزل حجه الاسلام اکرمی را اجاره می‌کند. (خاطرات حسن روحانی؛ ص ۳۵۲-۳۵۳)

خاطره دیدار با آقا درب منزلشان: من با شخصیت و ویژگی های آیت الله خامنه‌ای آشنا بودم ولی متأسفانه آشنایی نزدیکی با ایشان نداشتم. آیت الله خامنه‌ای هر وقت که به تهران می‌آمد در مساجدی مانند مسجد جاوید ، مسجد قبا ، مسجد جلیلی و مسجد هدایت که کانون تجمع انقلابیون بود ، سخنرانی می‌کرد. بسیار علاقمند بودم از نزدیک با ایشان آشنا شوم. بدین جهت آدرس منزل ایشان را از دوستان گرفتم و به منزل ایشان رفتم . زنگ درب را به صدا در آوردم. کسی که در را باز کرد تا من را با لباس نظامی دید متوحش شد و گفت : آمده اید آقا را ببرید؟ گفتم : نگران نباش ، من از دوستان ایشان هستم . وقتی وارد منزل شدم و آیت الله خامنه‌ای من را دید و خودم را معرفی کردم ، تعجب کرد و گفت : چرا با این لباس نظامی آمدی؟ ممکن است برای شما دردسر ایجاد کنند ، که حق با ایشان بود و لذا در دفعات بعدی که خدمت ایشان می‌رسیدم ، با لباس شخصی می‌رفتم. (خاطرات حسن روحانی؛ ص ۳۷۶-۳۷۷)

سال ۵۶ حاج آقا مصطفی ، فرزند ارشد امام ، در مرگ مشکوکی از دنیا رفت. آن زمان حاج آقا مصطفی امام را در تبعید در نجف همراهی می کرد. خیلی ها معتقد بودند ساواک ایشان را به شهادت رسانده است.

مراسم های ختم حاج آقا مصطفی خود به تجمع انقلابی و ضد رژیم تبدیل می شد.

مراسم تهران در مسجد ارگ به همت شهید مطهری برگزار شد. ایشان روحانی را برای سخنرانی این مراسم انتخاب کردند. (خاطرات حسن روحانی؛ ص ۴۱۳-۴۱۴)

روحانی : **إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ**، این بلا مبین و آزمایش روشن و آشکار برای ابراهیم ما و بنابراین من یک لقب برای مرجع موم می پسندم و آن امام خمینی.

محمد مینایی(بهاری)(شاهد عینی واقعه) : جمعیت کثیری شرکت کرد. جمعیت خیلی زیاد بود ، بی حد و بی حصار ، مسجد پر بود ، شبستان پر بود، حیاط پر بود، خیابونم جمعیت بود ، مأمورینم بودند. سخنرانی که تموم شد خود ایشونم توصیه کردند که با نظم از در برین بیرون یعنی آرامش را حفظ کنید. باز من متوجه نشدم.

وارد حیاط شدیم دیدم جو یه جور دیگه ست دم در ، چون فاصله م تا دم در زیاد بود. گفتم مأمورین دارن به هر جهت سخت میگیرن ، اذیت می کنن و احتمال خطر هست، آقا رو بگیرن ، نگین ، از این حرفها بود.

این سخنرانی روحانی نقطه عطف زندگی سیاسی اش بود. حالا دیگر خیلی ها آن طلبه جوانی که سخنان آتشین داشت را می شناسند. (خاطرات حسن روحانی؛ ص ۴۲۰)

گزارش ساواک

شماره گزارش ۲۱/۶۰۳۶

تاریخ گزارش ۱۸ مهرماه ۲۵۳۶ شاهنشاهی

آقای حسن روحانی سخنرانی مجلس را به عهده گرفت. در جلو در ورودی مسجد مطالبی را مطهری ، دکتر مفتح و بازرگان به او گفتند و سپس چند شعار علیه دولت داده شد.

ساواک هم به فعالیتهای او حساس شده است . تعقیبها و ممنوع المنبر شدن ها در انتظار روحانی جوان است.  
(خاطرات حسن روحانی؛ ص ۴۲۲)

به دلیل شرایط جدید تصمیم میگرد تا برای دستگیر نشدن از کشور خارج شود و در آنجا به تحصیل خود ادامه دهد.  
(خاطرات حسن روحانی؛ ص ۴۳۴)

نام خانوادگی روحانی در شناسنامه فریدون بود و ساواک به دنبال حسن روحانی می گشت و این باعث شد روحانی در اوایل اردیبهشت ۵۷ به راحتی از گیت فرودگاه از کشور خارج شود. (خاطرات حسن روحانی؛ ص ۴۳۸)

وقتی در سال ۱۳۴۰ وارد قم شدم ، دوستان طلبه به نام خانوادگی من ایراد گرفتند و می گفتند : فردا که آیت الله شدید ، مردم شما را آیت الله فریدون بخوانند؟! اصلا این نام فامیل مناسب آینده ی شما نیست و باید آن را تغییر دهید. در نهایت نام " روحانی " را برای خود برگزیدم. در سال ۱۳۶۰ تقاضای تغییر نام فامیل کردم و نام خانوادگی " روحانی " به طور رسمی در شناسنامه من ثبت شد. (خاطرات حسن روحانی؛ ص ۲۸۶)

روحانی : در مسیر تکمیل درسم در رشته حقوق درس می خوندم ، ولی وقتی امام آمدند به پاریس به طور طبیعی درس دیگه رها شد.اون ایام بیشتر فرصت ها مصروف سخنرانی در دانشگاه های مختلف می شد.من در کشورهای اروپایی در دانشگاه های مختلف در ماه هایی که امام در نوفل لوشاتو بودند که من گاهی اونجا بودم گاهی هم در کشورهای مختلف اروپایی برای سخنرانی بودم.بیشترین وقت در اون ایام دیگه برای سخنرانی، حضور در تظاهراتی که شکل داده می شد،مخصوصا برای تاسوعا و عاشورا که در بسیاری از شهرهای اروپایی تظاهرات مفصلی شکل داده شد.

روضه محضر امام در نوفل لوشاتو

همزمان با فعالیتهای پاریس ، تهران و دیگر شهرهای ایران هم حال و هوای دیگری به خود گرفته بود!

شهید محلاتی : توجه توجه ! بسم الله الرحمن الرحيم، این صدای انقلاب اسلامی ایران است! این صدای انقلاب اسلامی ایران است!



در ۱۲ بهمن روحانی در نوفل لوشاتو بود ولی به دلیل تکمیل شدن ظرفیت هواپیمای امام دیگر جایی برای روحانی در آن پرواز سرنوشت ساز نبود. برای همین به لندن رفت تا با خانواده به ایران بازگردد. (خاطرات حسن روحانی؛ ص ۵۲۵)

در تهران پس از انقلاب کار زیاد است. همه درگیر ساماندهی انقلاب هستند. از انقلابیون مورد اعتماد دعوت می شود تا هر کدام کار قسمتی از این نظام نوپا را برعهده گیرند.

یک شب در اوایل فروردین ۵۸ حسن روحانی مهمان آیت الله خامنه ای در منزل شان در خیابان ایران بود. (خاطرات حسن روحانی؛ ص ۵۵۰)

روحانی: ایشون این وظیفه رو به عهده گرفته بودند که ارتش رو سامان بدهند و من وقتی که رفتم خدمت ایشون ، ایشون فرمود که شما بیاید کمک کنید که ما بریم ارتش رو سامان بدیم، در واقع اولین کار در کنار آیت الله خامنه ای سامان دادن نیروهای مسلح بود، اون زمان تو اوایل سال ۵۸. پادگان ها رو تشکیل می دادیم ،افراد رو دعوت می کردیم چون وضع خاصی بود.تحصن هایی بود در یک مقطعی.تحصن ها رو بایست می شکستیم.

منطبق کردن فضای ارتش به جا مانده از طاغوت با ارزش های انقلابی هم کار راحتی نبود. مثلا در اصلاح پوشش پرسنل اداری خانم .

بعد از انقلاب بحث حجاب خیلی پر رنگ شده بود.اکثریت جامعه به دنبال رعایت شئون اسلامی در جامعه بودند.

مصاحبه شونده ای در تجمع حجاب: به نظر من حجاب نه تنها به آزادی لطمه نمی زنه بلکه مستلزم آزادی داشتن حجاب است.

مصاحبه شونده ای در تجمع حجاب : این ها برای تفرقه اندازی اداره ها را تعطیل می کنند،مدارس تعطیل می کنن ،الان چند روزیه تو مدارس طوریه درس وجود نداره.

طرح اجباری کردن حجاب در ادارات ارتش به عهده روحانی بود. او این کار را از زنان مستقر در ستاد مشترک ارتش شروع کرد. (خاطرات حسن روحانی؛ ص ۵۷۰-۵۷۳)

آن ها سی نفری بودند. پس از گفتگو قرار شد از فردا با روسری بپایند. زنان کارمند که به جز یکی دو نفر همه بی حجاب بودند شروع کردند به غر زدن و شلوغ کردن ولی من محکم ایستادم و گفتم از فردا صبح دژبان مقابل درب ورودی موظف است از ورود خانم های بی حجاب به محوطه ستاد مشترک ارتش جلوگیری کند. این دستور است. (خاطرات حسن روحانی؛ ص ۵۷۲-۵۷۳)

این مسئولیت های سیاسی و نظامی باعث نمی شد تا روحانی فعالیت های تبلیغی خود را رها کند.

روحانی : پیام امام دقیقا باید مورد توجه همه ی گروه ها قرار بگیرد. امام فرمود که هیاهو درست کردن جز دامن زدن به این خیانت کاران که راهشان باز بشود چیز دیگری نیست.

که ما می بینیم در ضمن مقاله ای که تحت همین تیتر نوشته شده به کیا حمله شده ؟ و مواردی که به عنوان موارد تقلب یا به تعبیری که نوشته تقلبات ناجوانمردانه ارتجاع ، می خواهیم ببینیم که ، ما کاری فعلا به انتخابات نداریم که انتخابات مورد حمله قرار گرفته شده، بسیار خب! شما بگید انتخابات ایراد داشته اشکال داشته ، ایراد و اشکالشم مقامات مسئول هستند رسیدگی می کنند، حتی اگه در حد ابطال یک صندوق بود صندوق رو ابطال بکنیم، مسئله ای نیست، در حد ابطال یک شهر بود ما که بحثی نداریم، اون تصمیم گیریش با مقامات مسئول هست. اما ما می بینیم که وقتی تحت عنوان مرتجعین مسئله رو ذکر می کنه دقیقا مسئله ی روحانیت رو در صفحه دوم همین روزنامه طرح می کنه و مرتجعین با بهره گیری از همه شیوه های تقلب رو منتقل می کنه عمدتا به روحانیت و سپاه پاسداران که ما می بینیم هر دو دقیقا نهادهای انقلابی این سرزمین هستند.

همین فعالیتها بود که گروهکها را نسبت به وی حساس کرده بود.

ظهر روز عید فطر ، سال ۵۸ می خواستم از خانه خارج شوم که ناگهان زنگ در به صدا در آمد . هنوز در را باز نکرده بودم که شب جوانی را از پشت شیشه در ورودی منزل دیدم . در را باز نکردم برگشتم و کلت خود را مسلح کردم و به پشت بام رفتم . از آنجا جوانی را دیدم که پشت در ایستاده و دستش زیر کاپشنش است . آن طرف کوچه روی یک موتور جوان دیگری نشسته و گویی همراه این است. نگاه آن که به من روی پشت بام افتاد روی موتور پریدند و با سرعت از آنجا دور شدند . وقتی سوار موتور شد کلت زیر کاپشنش کاملا نمایان شد. (خاطرات حسن روحانی؛ ص ۶۱۰)

آبان همان سال انقلاب دوم رقم می خورد. دانشجویان لانه جاسوسی آمریکا را برای همیشه تعطیل می کنند.

شعار مردم : آمریکا آمریکا شاه باید پس بدی.

نه سازش نه تسلیم نبرد با آمریکا

برای آمریکا که می خواهد ژست ابر قدرتی بگیرد اوضاع افتضاح است. آنها باید با ایران رابطه برقرار کنند آن هم رابطه کدخدا و رعیت ، مثل زمان شاه!

شعار مردم : مرگ بر آمریکا

اعترافات کارمند سفارت امریکا :

شغل پوششی شما چه بوده ؟

کارشناس سیاسی سفارت

چند سال برای CIA کار کردید؟

کمی بیشتر از بیست سال

اما این امت اکنون امامی دارد که کابوس رعیتی را برای همیشه از یادها برده است.

امام : روابط دارند درست می کنند، میخواهند دوباره ما را برگردانند به آن عهدی که همه چیزمان اختناق در اختناق باشد و همه هستی ما به کام آمریکا برود. ما نخواهیم گذاشت، تا جان داریم نخواهیم گذاشت.

با این حال اول کارتر و بعد ریگان مایل به از سرگیری رابطه با ایران هستند منتها با ایرانی مطلوب خود آمریکا!  
در سال ۶۵ ماجرای ربنده شدن چند آمریکایی در بیروت هم مزید بر علت شده است تا به بهانه واسطه گری ایران برای مذاکره آمریکا و حزب ا... پای آمریکایی به ایران باز شود. (کتاب مک فارلین با چشم باز؛ ص ۱۹)

آن ها برای نزدیک شدن به ایران اول سلاح های مورد نیازمان در جنگ را از طریق واسطه به ما می فروشند. چند وقت بعد به واسطه ی ایرانی می گویند می خواهند مستقیم به مقامات ایران سلاح بفروشند . واسطه ایرانی هاشمی رفسنجانی را در جریان قرار می دهد و می گویند در چند روز آتی چند آمریکایی به ایران می آیند. (کتاب ۴۰ تدبیر؛ ص ۱۰۸-۱۱۳)

بعد ها ریگان درباره علت این سفر می گوید: هدف اصلی ما از مذاکرات و ارسال سلاح محرمانه یه ایران، ایجاد ارتباط مناسب با رهبران احتمالی آینده ایران بوده و موضوع گروگان ها فرعی و جانبی است. (روزنامه النهار؛ ۱۴ تشرین الثاني ۱۹۸۶)

بنابر تصمیم نظام قرار نیست مسئولان رده بالا با آن ها مذاکره کنند. هدیه ها را هم نپذیرفتند. (کتاب مک فارلین با چشم باز؛ ص ۱۶)

به گفته هاشمی رفسنجانی مذاکرات در سطح دکتر هادی و دکتر روحانی مخفی نگه داشته می شود و مذاکره محدود به مسئله گروگان های آمریکایی در لبنان می شود. (خاطرات هاشمی رفسنجانی؛ ۵ خرداد ۱۳۶۵)  
اما طرف آمریکایی خواهان مذاکره در مسائل کلی و سیاسی است.

دور اول مذاکرات دو ساعت بود با حضور مک فارلین، مک فارلین حضور خودش را در ایران برای ایجاد پل ارتباطی بین دو کشور اعلام می کند و می گوید آمریکا آمادگی دارد برای تامین برخی اقلام مورد نیاز ایران کمک کند. برای دوره های بعدی مک فارلین به دلیل اینکه خود را در سطح وزیر می دانست حاضر به مذاکره با غیر هم سطح خود نشد و در مذاکره حضور نداشت. تا روز هفتم خرداد هفت دور مذاکره کردند. (کتاب مک فارلین با چشم باز؛ ص ۱۵-۱۷)

در این هفت دور آمریکایی ها دائما در خواست دیدار با مقامات عالی رتبه نظام را تکرار می کردند اما در این طرف کسی پاسخگوی چراغ سبز آمریکایی نبود. مقامات ایرانی حاضر نبودند با کسانی که در رسانه ها و افکار عمومی علیه ملت ایران صحبت می کنند و بارها ایران را تهدید و تحریم کرده اند مذاکرات محرمانه داشته باشند.

پس از هفت دور آمریکایی ها از همان راهی که آمده بودند، بر می گردند. (کتاب مک فارلین با چشم باز؛ ص ۱۷)

ایران آن سلاح های همراه شان را که بر چسب اسرائیلی دارد نمی پذیرد. (کتاب ۴۰ تدبیر؛ ص ۱۰۸-۱۱۳)

بعدها موساد طی چند مقاله در مطبوعات سعی میکند این مساله را افشا کند. امام خمینی که همیشه بی پرده با مردم سخن می گفت به هاشمی رفسنجانی می گوید تا این قضیه را در ۱۳ آبان برای مردم شرح دهد. (کتاب ۴۰

تدبیر؛ ص ۱۰۸-۱۱۳)

هاشمی رفسنجانی: آقایون صریحا دروغ به ملت امریکا گفتند که ما با پاسپورت خودمان رفتیم ایران، در صورتی که فوتوکپی پاسپورت هایی که اینها داشتند الان پیش ما موجوده که ایرلندیه.

یکیش را بهتون نشون میدم، به عنوان نمونه، بقیه ش مال بعده، اینا همه پاسپورت های ایرلندی آقایونه، این مال آقای مک فارلین.

و این باعث می شود آمریکایی ها که به دنبال سیاست چماق و هویج در رفتار با ایران بودند در افکار عمومی جهان رسوا شده و دومین رسوایی تاریخی آمریکا، ایران گیت رقم بخورد.

الیور نوریس (از هیأت دیپلماتیک مک فارلین): من قطعا این کار را انجام دادم، همان طور که در اظهاراتم گفتم از این کار شرمنده نیستم. به من مأموریت داده شد و من تلاش کردم تا آن را انجام دهم.

از بعد از دعوت آیت الله خامنه ای به ارتش روحانی به عالم سیاست هم وارد میشود. همزمان با مسئولیت های ارتش روحانی در دور اول مجلس شورای اسلامی از طرف مردم سمنان به مجلس راه می یابد. ۴ دور بعدی مجلس هم نماینده تهران است.

رئیس کمیسیون دفاع، نایب رئیس اول مجلس و رئیس کمیسیون سیاست خارجی از مسئولیت های روحانی است.

روحانی در مجلس: در مورد رای گیری اکثریت باشه و از این شش نفر از هر قوه ای حتما یک نفر هم رای داده باشه به این صورت، یعنی ...

هاشمی رفسنجانی: این رد شد، دیگه وقتی دو نفر یک پیشنهاد دادند جداگانه بحث نکنید.

روحانی: کی رد شد؟

هاشمی رفسنجانی : آقای دکتر صحابی هم داده بودند رد شد.

روحانی : نه این نبود که رد شد که ! شش نفر با توجه به اینکه در رای گیری حتما از هر قوه ای ...

هاشمی رفسنجانی : اصلا دو نفر بودند رد شد ،دیگه شما اینو جزئیات شو پیش نرین.

روحانی : نه نه ،با این کیفیت،با این قید که رد نشده آقای هاشمی!

در دور اول مجلس روحانی رئیس شورای نظارت بر صدا و سیما است.

مصاحبه با روحانی : دکتر روحانی بفرمائید که به همراه سایر اعضای شورای سرپرستی رادیو تلویزیون امروز به حضور امام خمینی رهبر انقلاب رسیدید چه مسائلی مطرح شد و امام چه رهنمودهایی رو دادند؟ من خواهشم اینه که قبل از اینکه شما اینو بفرمائین سایر اعضای گروه شورای سرپرستی رو معرفی بفرمائین.

روحانی : بسم الله الرحمن الرحيم. من هم ابتدا برادران عزیز رو معرفی می کنم.اعضای شورای سرپرستی و بعد هم خلاصه ای از آنچه که امام به عنوان رهنمود فرمودند برای ملت عزیز ایران بیان می کنم.

جناب آقای جنتی، عضو شورای سرپرستی و منتخب از طرف قوه ی قضائیه

جناب آقای غفاری ، عضو شورای سرپرستی از طرف قوه ی مجریه

جناب آقای توکلی نماینده ی مجلس و عضو علی البدل از طرف قوه ی مقننه

جناب آقای دکتر عباس شیبانی عضو علی البدل از طرف قوه ی قضائیه

در آن زمان محمد هاشمی ریاست صدا و سیما را بر عهده دارد .

بین رئیس شورا و رئیس سازمان اختلافات زیادی است تا اینکه روحانی محمد هاشمی را عزل می کند. (خاطرات

هاشمی رفسنجانی؛ ۲۹ تیر ۱۳۶۲)

امام که از این اتفاق آزرده شده اند، نظرشان این است که شورای نظارت بر صدا و سیما نباید در کار سازمان دخالت کند و این معنی قانون اساسی نیست که سه قوه در کار سازمان صدا و سیما مداخله کنند. ایشان از طریق احمد اقا

به هاشمی رفسنجانی که آن زمان رئیس مجلس است می گویند تا روحانی از شورای نظارت بر صدا و سیما استعفا دهد. روحانی که از این اتفاق ناراحت شده است از امام وقت ملاقاتی می خواهد ولی امام نمی پذیرند و نظرشان این است که شورای نظارت بر صدا و سیما خطا انجام داده است. **(خاطرات هاشمی رفسنجانی؛ ۳۰ و ۳۱ تیر ۱۳۶۲، ۱ مرداد ۱۳۶۲)**

روحانی در عرصه سیاسی همچون عرصه تبلیغی نیروی فعالی بود. در مرداد سال ۶۴ قرار بود رئیس جمهور نخست وزیر جدید را معرفی کند. رئیس جمهور وقت بنا بر شرایط کشور با انتخاب مجدد آقای میرحسین موسوی به نخست وزیری موافقت می کند. اما جمعی از نمایندگان مخالف هستند.

امام خمینی اختلافات را در آن برهه حساسی از جنگ مناسب نمی دانند. با این حال ۹۹ نفر از نمایندگان حتی پس از توصیه امام هم میرحسین موسوی را مناسب نخست وزیری ندانسته و به او رأی مخالف می دهند.

این جمع بعد ها به ۹۹ نفر معروف می شود که حسن روحانی یکی از فعالین این جمع است. **(روزنامه مردم سالاری؛ ۳۱ فروردین ۱۳۸۸)**

از قبل از انقلاب روحانی عضو جامعه روحانیت مبارز است. وی از همان سال های قبل از انقلاب در این گروه سیاسی فعالیت می کرد. **(خاطرات حسن روحانی؛ ص ۴۲۷-۴۳۲)**

روحانی فعالیت خود را در این گروه تا همین الان ادامه داده است.

در دور ششم مجلس هم در لیست جامعه روحانیت مبارز همراه شخصیت هایی چون هاشمی رفسنجانی، جواد لاریجانی، حدادعادل و محمود احمدی نژاد قرار گرفته بود.

البته آن دوره لیست اصلاح طلبان به سر لیستی محمد رضا خاتمی پیروز انتخابات شد و کرسی های مجلس را بدست گرفت.

هاشمی رفسنجانی: گروه از دوستان معتدل که اون موقع خیلی کم گیر می آمدند، گروه عقلا را در مجلس تشکیل داده بودند.

روحانی: ما در سال ۶۴ یک جلسه ای تشکیل دادیم با نمایندگان مجلس، البته معروف بود به جلسه عقلا.

اما این مجمع عقلا برای چه هدفی تشکیل شده بود؟!

هاشمی رفسنجانی: یکی از جاهایی که خیلی تأکید می‌کردن در سیاست‌های جنگی بود که شاید بی‌تأثیر هم نبود در خاتمه جنگ، شاید نه حتماً تأثیر داشتند.

روحانی: ما در این که جنگ چی کار باید بکنیم اول اختلاف نظر داشتیم.

محسن رضایی: ما در عملیات رمضان رفتیم وارد خاک عراق شدیم، یک قطعه‌ای از خاک عراق رو گرفتیم از اونجا به بعد یک بحث‌هایی مطرح شد که بیشتر درگوشی بود و بعضی از این آقایون اون شهامت لازم رو در اینکه به طور جدی بیان بحث کنن با امام یا با مسئولان اصلی کشور که تصمیم گیرنده بودند، نداشتند. درگوشی یا بعضی جاها یک جلساتی می‌گذاشتن که این تا والفجر مقدماتی و همین طور ادامه پیدا کرد.

هاشمی رفسنجانی: سال‌ها بود که این حرف مطرح بود منتها در محافل خصوصی، خیلی خصوصی، می‌گفتن ما باید جنگ رو تموم کنیم.

محسن رضایی: خبرشم به رزمندگان می‌رسید، فکر می‌کردن یک دوگانگی در مرکزیت ایران هست. امام یه نظراتی داره یه عده دیگه نشستن و به صورت پنهانی جلسات دیگه ای دارن. این باعث نگرانی در جبهه‌های جنگ شده بود.

روحانی: یکی از اعضای جلسه ظاهراً میره با آقای رضایی صحبت می‌کنه، با آقای محسن رضایی که فرمانده سپاه بودن، به ایشون میگه که یک جلسه‌ای هست که نمایندگان مجلس دارن و در اونجا دارن طراحی صلح می‌کنن که چجوری صلح کنیم با صدام. ایشون یک نامه‌ای می‌نویسه با امام و میگه که شما که این همه تأکید می‌کنید برای جنگ و ادامه جنگ، در مجلس یک گروهی هستند، اسم منم می‌بره، با حضور فلانی و این‌ها راجع به صلح دارن بحث می‌کنن.

محسن رضایی: شاید دلیل اینکه این آقایون این مسئله رو طرح کردن این بوده که قبلاً یه چیزایی تو ذهنشون بود ولی چون رزمندگان ما همش در حال پیروزی بودند شهامت لازم رو در رابطه با طرح این مسئله نداشتند ولی بعد از عدم الفتح والفجر مقدماتی کم‌کم یه مباحثی مطرح شد که خوبه دیگه ایران جنگ رو همینجا در حقیقت تمام بکنه. اما نمی‌گفتند که چطور؟ چون وقتی می‌گفتند جنگ رو ایران تموم بکنه ازشون سوال می‌کردن خب چیکار بکنه ایران جنگ رو تموم بکنه؟ باید یه قرارداد صلحی باشه دیگه. چون این دو طرف داره و اگر منظور تون این است که ما عملیات نکنیم، فرض کنیم ما هفت ماه هشت ماه عملیات نکردیم اگه بعد از ۷-۸ ماه اون شروع کرد به حمله کردن و یه جایی رو اومد گرفت شما جواب این رو چی می‌دین؟ اونا هیچ پاسخی نداشتن. می‌گفتن که ما تلاش باید بکنیم که بریم دنبال این که صلح بشه. باید بریم صلح بکنیم.



بعد وقتی سوال بعد طرح می شد که خب مگه کسی مزاحم تون هست؟ مگه کسی مانع شما هست؟ چون هیچ هیأت صلحی نبود که از اول جنگ تا آخر جنگ تقاضای رفت و آمد با ایران کرده باشه و ایران اینا رو رد کرده باشه. یک سند نیست. ما نمی خواستیم جنگ طولانی بشه. اینایی که می گفتن عملیات نکنیم منظورشون این بود که جنگ بیست سال طول بکشه، بیست سی سال طول بکشه. در حالی که ما فکر می کردیم جنگ باید زودتر تموم بشه و زود تمام نخواهد شد مگر اینکه ما به دشمن فشار بیاوریم که اون ها شرایط ایران رو که یک شرایط عادلانه ای بود بپذیرن، حداقل ۱۹۷۵ رو بپذیرن. یعنی اعلام بکنن ما موافقت نامه ۱۹۷۵ رو قبول داریم. کسی نمی گفت اینو. اصلا حتی از مرز بین المللم اسم نمی آوردن.

روحانی : خب این بحث وجود داشت که واقعا نظر امام در نهایت چی هست.

محسن رضایی: امام همیشه همینو می گفت ، می گفت که اولاً از خاک ما برید بیرون، داخل خاک ما نباشید، ثانيا کسی که تجاوز کرده این رو تنبیه کنید. نمی گفتن امام که این رو بگیرید بدید ما می خوایم تنبیه بکنیم. یعنی یه شرایط سختی هم امام نمی داشتن که از نظر منطق بین المللی سخت باشه عمل کردنش و بعد هم می گفت غرامت ما رو بدید. خسارتی شما به ما وارد کردید، این شرایط رو هم امام برای این میخواست

که دیگه کسی جرات نکنه به ایران حمله بکنه ، اینا رو که امام می گفت در حقیقت می خواست حالا که جنگ شده یه جنگ بیشتر نباشه ، مگر یه کشوری چندتا جنگ باید بکنه؟ لذا امام می خواست خیالش راحت باشه که دیگه جنگی نشه یعنی صلحی که منجر به یک امنیت کامل بشه.

صدای امام:

ما از اول جنگ با کسی نداشتیم؛ لکن با صدام صلح نمی توانیم بکنیم.

صدام یک جانی است که به هیچ یک از تعهداتی که می کند اعتبار قائل نیست.

او با دولت سابق با اینکه غیر قانونی بود تعهد کرده بود و آن را هم بهم زد.

او هر روز عوض میکند افکارش را!

او انسانی نیست که بشود با او صلح کرد.

شما گمان میکنید که اگر ما با صدام صلح کنیم به این صلح ادامه میدهد؟!

این جلسات خصوصی ادامه داشت تا اینکه امام در نهایت از جلسه عقلا و بحث‌هایشان در مورد توقف جنگ اطلاع می‌یابد و از هاشمی رفسنجانی توضیح می‌خواهد. (خاطرات هاشمی؛ ۱۰ خرداد ۱۳۶۵)

روحانی: آقای هاشمی که رفته بود خدمت امام، امام بهشون گفته بود که این چیه که به من نوشتن؟ شنیدم فلانی، خبر من، فلانی هم هست، چون امام می‌دونست من مسئولیت های جنگ رو دارم. آقای هاشمی گفت نه اینطور نیست، من خبر دارم، جلسه با اطلاع من هست، من مطلع هستم، همچنین چیزی نیست.

محسن رضایی: امام بهشون پیام داد که این جلسات چیه؟ این جلسات ماهیتش چیه؟ چون مخفیانه این جلسات تشکیل شده بود بعد هم به گوش همه می‌رسید.

روحانی: جلسه شل شد دیگه، یعنی اون استحکام شو از دست داد و جلسه م بعد تعطیل شد.

حسن روحانی در سال ۱۳۶۸ از طرف مقام معظم رهبری به نمایندگی ایشان در شورای عالی امنیت ملی انتخاب میشود، همچنین رئیس جمهور نیز ایشان را به عنوان دبیر این شورا معرفی می‌کند.

آن سالها شورای عالی امنیت ملی هم چالش‌های داخلی داشت و هم چالش‌های بین‌المللی.

اتفاقاتی مثل حرکت‌های تشنج آفرین مرحوم منتظری که به حصر ایشان با تصویب شورای عالی امنیت ملی منجر شد، بحران‌های روزنامه‌های زنجیره ای، التهاب آفرینی های دوران اصلاحات، چراغ سبزه‌های تجدیدنظرطلبان به غرب خصوصا آمریکا همه و همه باعث می‌شد تا عملکرد شورای عالی امنیت ملی حساس تر شود.

یکی از این بحرانها واقعه ای بود که در تاریخ سیاسی ایران به ۱۸ تیر معروف شد.

در تیرماه ۱۳۷۸ روزنامه سلام برای فشار به مجلس جهت تصویب نکردن طرح اصلاحیه قانون مطبوعات اعلام می‌کند، سعید امامی که در پرونده قتل‌های زنجیره ای از وی نام برده می‌شود این طرح را پیشنهاد داده است.

وزارت اطلاعات از روزنامه سلام به علت نشر اکاذیب شکایت می‌کند و روزنامه سلام که در آن زمان سردبیرش عباس عبدی و مدیر مسئولش موسوی خوئینی‌ها مرد خاکستری اصلاحات است توقیف می‌شود.

تعدادی از دانشجویان دانشگاه تهران در اعتراض به این توقیف تحصن می‌کنند و این تحصن با تحریک عده ای از اصلاحطلبان افراطی که به نهادهای سیاسی و امنیتی دولت وقت رفت و آمد داشتند، جرقه ای می‌شود برای اتفاقاتی که دیگر آرام کردنش از خود دولت هم برنمی‌آمد. (کتاب ۴۰ تدبیر؛ ص ۱۹۶-۲۰۳)

مرتضی نبوی (فعال سیاسی) : من مجموعه ی حوادثی که تو کوی دانشگاه اتفاق افتاد رو نمی خوام توجیهش کنم بگم که اونا چیزای درستی بود اما در عین حال معلوم بود که برنامه ست که این حادثه اتفاق بیفته و بعد با همون ابزار رسانه ای یک فضایی درست کنند،یه فضایی که دانشجو رو ریختند ، کشتند ، از دانشگاه پرش کردند ، کجا نشستید؟

محمد علی ابطحی (فعال سیاسی اصلاح طلب): ما در هیئت دولت بودیم .گزارش هایی که آوردن این بود که ترمینال جنوب آتش گرفته ، بانک توی یکی از نقاط جمهوری تهران آتش گرفته ،اینور آتش گرفته، اونور ،یعنی یک تشنج سراسری بود دیگه اون ربطی به حرکت دانشجویی ،اعتراض دانشجویی که به خاطر حمله به خوابگاه بود دیگه هیچ کس نمی تونست دیگه تحلیل به اون بکنه .

علیرضا زاکانی (مسئول بسیج دانشجویی دانشگاه تهران در سال ۷۸): هم زمان خیابون فاطمی شلوغ شد و بستنش و نقاب دارها اومدن و این حرفا.

مرتضی نبوی (فعال سیاسی): اون موقع شورای عالی امنیت ملی هرچی می نشستند بلند می شدن مجوز نمی داد که غیر از نیروی انتظامی بیاد و این صحنه ها رو کنترل کنه .تا کی؟ تا عصر ۲۲ تیر که آقای روحانی دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی میگه ایشون فرانسه بود برگشت دید اوضاع اینجوریه به مسئولیت خودش اعلام کرد که بسیج وارد صحنه بشه ، به محض اینکه این اعلام انجام گرفت تقریبا قائله خوابید.

علیرضا زاکانی (مسئول بسیج دانشجویی دانشگاه تهران در سال ۷۸): تو اون ایام تمام سعی و تلاش بنده این بود که از شدت درگیری ها کم بکنم و عقلانیت رو حاکم بکنم بشینیم حرف بزیم .

روحانی : مسئولین ما هم قاعدتا از جنس مردم و در کنار مردم و برخاسته از خود مردم و قاعدتا و معمولا منتخب خود این مردم بودن.

اما همواره مردم پیشتاز بودن ،تو دفاع مقدس، خب همه حضور داشتن ،حالا مسئولین نظامی اعم از ارتش سپاه و نیروی انتظامی و همه ی مسئولینی که به یه نوعی وظیفه داشتن به هر حال تو دفاع مقدس باشن.

امام آدم می بینه پیشتاز بسیجه، علی رغم اینکه همه ی اون ها تلاش کردن ، همه ی اون ها تو صحنه بودن ، همه ی اون ها فداکاری کردن ولی اون نیروی مردمی که بسیج هست می بینیم یک قدم جلوتر است از دیگران ، او هست که خط رو میشکافه ،او هست که میدان مین رو باز می کنه ، او هست که اون شور و نشاط جهاد رو در سراسر کشور به اوج می رسونه.

در ۲۳ تیرماه به دعوت شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی راهپیمایی مردمی در محکومیت حرکت اغتشاشگران برگزار شد.

علیرضا زاکانی (مسئول بسیج دانشجویی دانشگاه تهران در سال ۷۸): خود ما حدس و گمان نمی زدیم که مردم با این موج بیان توی خیابون ها، که سیلی از مردم، حرکت میلیونی شکل گرفته بود.

شعار مردم در ۲۳ تیر: ای رهبر آزاده، آماده ایم آماده

مرگ بر ضد ولایت فقیه

علیرضا زاکانی (مسئول بسیج دانشجویی دانشگاه تهران در سال ۷۸): روز ۲۳ تیر بنده سخنران دانشجویی بودم ایشون سخنران اصلی بود. اون روز که آقای روحانی رو خواستن بیاد سخنرانی بکنه خیلی ها حاضر نشدن صحبت بکنن، خیلی ها که نه دو سه نفر، که اسم شونم تو ذهنمه، نمیخوام بگم. حاضر نشدن بیان صحبت بکنن ولی آقای روحانی اومد صحبت کرد. صحبتشم الحق و الانصاف سخنرانی خوبی بود.

محمد علی ابطحی (فعال سیاسی اصلاح طلب): توی راهپیمایی ۲۳ تیر سخنرانی که همه پیشنهاد می کردن آقای خاتمی بود و من فکر می کنم شاید مثلا اگه یکی از اشتباهات سیاسی مونو بخوایم بررسی کنیم این بود که آقای خاتمی نرفت اونجا صحبت بکنه.

این سخنرانی مهم رئیس جمهور آینده ایران که به طرز عجیبی از آرشیوهای رسمی کشور حذف شده است، اتحاد حاکمیت با مردم در نفی هرگونه اغتشاشگری را نشان داد.

روحانی: خوشبختانه اکثر این عناصر در ظرف دیروز و دیشب دستگیر شدند.

مقام معظم رهبری : آن کسی که این حوادث را خنثی کرد، مردم بودند. روز بیست و سوم تیر سال ۷۸ مردم آمدند در خیابانها، توطئه ی دشمن را که سالها برایش برنامه ریزی کرده بودند، در یک روز باطل کردند.

فعالیت‌های زیاد روحانی وی را از فکر ادامه تحصیل بازداشت. وی در سال ۱۳۷۵ مدرک کارشناسی ارشدش را از دانشگاه گلاسکو بریتانیا می گیرد و در سال ۱۳۷۸ نیز از همان دانشگاه موفق به اخذ درجه دکترا می شود. (روزنامه شرق؛ ۹ تیر ۱۳۹۲)

در سالهای دبیری روحانی در شورای عالی امنیت چالش‌های بین المللی هم کم نبود. ولی آن سالها همه شورا را با یک پرونده خاص می‌شناختند.

روحانی : در بحث هسته ای هم که خب سر صدا از تابستان ۱۳۸۱ شروع شد و بعد سر صدا ادامه پیدا کرد منجر شد به سفر آقای البرادعی به تهران در اسفند سال ۱۳۸۱.

آمریکا که خود را فاتح بغداد میدانند قصد دارد تا با کمک شرکای اروپایی خود و تهدیدهای سیاسی مانع دستیابی ایران به فناوری هسته ای شود.

روحانی : در خرداد شورای حکام یه بیانیه ای صادر کرد،گذشت،کار پرونده ی هسته ای در اختیار سازمان انرژی اتمی خودمون در ایران و کمابیش وزارت خارجه ،به این ها مربوط می شد.

در شهریور ۸۲ یک قطع نامه بسیار شدید الحنی در آژانس علیه ایران صادر شد. از اونجا بود که در واقع تصمیم مسئولین نظام بر این شد که این پرونده منتقل شه به دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی.

دبیر شورا هم در روزنامه ها لقب شیخ دیپلمات گرفته بود.

سه وزیر اروپایی که با طناب آمریکا در باتلاق جنگ عراق و افغانستان فرو رفته بودند، به ایران آمدند تا...جان ساورز ( عضو تیم مذاکره کننده انگلیسی) : ما به تهران رفتیم تا آنها را قانع کنیم که غنی سازی اورانیوم را

متوقف کنند. همچنین هر چیز دیگری که ربطی به غنی سازی دارد را باید برای همیشه متوقف کنند. بنابراین تلاش کردیم آنها را مجبور کنیم تا با تعلیق موافقت کنند.

دکتر حسن روحانی که در آن زمان دبیر شورای عالی امنیت ملی بود به همراه تیم مذاکره کننده اش متشکل از جواد ظریف و حسین موسویان برای مذاکره با اروپاییان به سعدآباد رفت.

ایران به دنبال حق غنی سازی اورانیوم تحت معاهده NPT بود. اما طرف غربی تعطیلی فرآیند غنی سازی را می خواست. و این یعنی ایران برای نیروگاهش هم سوختی نداشته باشد.

روحانی : جمهوری اسلامی ایران همانند سایر کشورهایی که امضا کننده NPT هستند باید به همه ی حقوق قانونی خودش در زمینه ی صلح آمیز و فعالیت های هسته ای صلح آمیز برسه.

جان ساورز ( عضو تیم مذاکره کننده انگلیس ) : روحانی موافقت کرد که آنها مواد رادیواکتیو را به سانتریفیوژها تزریق نکنند.

جواد ظریف : معنای آن این بود که ایران غنی سازی انجام نخواهد داد و این به معنای تعلیق بود.

اما طرف غربی به این هم رضایت نمیداد و دنبال تعریف خود از تعلیق بود.

استانیسلاس دو لابلایه ( عضو تیم مذاکره کننده فرانسوی ) : برای ما این تعریف بسیار ضعیف بود ، تمام فعالیت های غنی سازی باید معلق شود. همین جا ما به یک مشکل برخوردیم.

آنها به هیچ قیمتی نمی خواستند در داخل ایران غنی سازی صورت گیرد. تیم مذاکره کننده ایران دو ساعت تمام مقاومت کرد.

جک استرو (وزیر خارجه سابق انگلیس): روحانی به ساعتش نگاه کرد و گفت خب الان زمان آن است که برویم و گزارش را به رئیس جمهور بدهیم و سپس اتفاق غیر عادی افتاد، چیزی کاملا برنامه ریزی نشده.

این بار وزیر خارجه آلمان در نقش پلیس بد ظاهر شد.

جان ساورز ( عضو تیم مذاکره کننده انگلیس) : و یوشکا ناگهان به روی میز کوبید و گفت : ببین الان هیچ فایده ای ندارد که ما برویم و رئیس جمهورتان را ببینیم و یا به خبرنگارن بگوییم ما به هیچ توافقی نرسیدیم.

یوشکا فیشر (وزیر خارجه سابق آلمان): ما که احمق نیستیم که توی اتاق کنفرانس بنشینیم و مؤدب باشیم و تلاش کنیم احساس بدی به میزبان منتقل نشود.

جان ساورز ( عضو تیم مذاکره کننده انگلیس) : روحانی گفت خب این بیشترین چیزی است که ما می توانیم درباره اش به توافق برسیم. یوشکا هم در پاسخ گفت : پس شاید برای ما بهتر باشد برویم سوار هواپیماهایمان شویم.

جک استرو (وزیر خارجه سابق انگلیس): می توانستی بگی که این آدم ها الان دارند فکر می کنند که خدای من قرار نبود اینطوری بشه !

تیم مذاکره کننده برای حفظ وجهه و اعتبار سیاسی خود برای افکار عمومی داخل نیاز به یک توافق هرچند حداقلی داشت.

مکالمه ی جواد ظریف با البرادعی : بسیاری از کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری (ایران) از شکست مذاکرات ما سود می برند. آنها موفقیتی در این گفتگوها نمی بینند و از طرفی آن ها آدم های پرنفوذی هم هستند . اعتبار اروپایی ها و مذاکره کنندگان ایرانی هر دو در ایران از دست رفته است. این تنها مشکل اعتماد به آن ها نبود ،این مشکل اعتماد به جبهه ی ما هم بود ،اعتماد به نوع اعتبار ما در خانه .

جک استرو (وزیر خارجه سابق انگلیس): این تقریبا یک شکست کامل بود.

جواد ظریف : و فکر می کنم هر دو طرف تصمیم گرفتند که زمان استراحت اعلام کنند و درباره اش کمی صحبت کنند.

روحانی فرصتی پیدا کرد تا با رئیس جمهور مشورت کند.

جان ساورز ( عضو تیم مذاکره کننده انگلیس ) : روحانی موبایلش را درآورد .

سید محمد خاتمی : اون ها می گفتند که کلیه ی فعالیت هایی که به نحوی مرتبط هست به این مسئله باید تعلیق بشه . ما این رو قبول نداشتیم.

جان ساورز ( عضو تیم مذاکره کننده انگلیس ) : او خیلی آهسته صحبت می کرد اما به وضوح گفتگویی بسیار سخت و سنگینی با آن سوی خط در جریان بود.

طرف غربی که اشتیاق تیم ایرانی برای یک توافق را فهمیده بود موضع خود را سرسخت تر کرد.

سید محمد خاتمی : می گفتن خب حالا که شما نمی تونین به توافق برسید این رو واگذار کنید به تفسیری که آژانس از این مسئله داره.

روحانی : پروتکل الحاقی را جمهوری اسلامی ایران امضا خواهد کرد.

ایران در این بازی سیاسی به آژانس اتمی اعتماد کرد و با اروپایی ها به توافق رسید.

حسین موسویان ( معاون اسبق تیم مذاکرات هسته ای ) : شاید چیز نگفته ای که تا حالا نبوده من بگم این که آقای روحانی توی ملاقات خصوصی از آقای البرادعی سوال کرد این تعلیقی که شما می گید یعنی چی؟

آقای البرادعی به آقای روحانی گفت که فقط مواد به سانتریفیوژها وارد نشه، تعریف تعلیق.



جواد ظریف : دکتر البرادعی روز قبل آن ها را دیده بود و آن ها راجع به معنی تعلیق گفتگو کرده بودند. دکتر روحانی معتقد بود که البرادعی بر این باور است که تعلیق اساسا یعنی عدم تزریق اورانیم به سانتریفیوژها.

حسین موسویان ( معاون اسبق تیم مذاکرات هسته ای ) : وقتی توافق نامه امضا شده و قطع نامه ی شورای حکام صادر شد ،خب ما به آژانس گفتیم اینو کتبی تعریف کنید دیگه ،تعریف کتبی تونو بدید به ما و اروپا .

اونجا جایی بود که البرادعی تحت فشار غربی ها یک تعریف فوق العاده گسترده ای از تعلیق داد ،یعنی قطعه، مونتاژ ،تولید سانتریفیوژ ،حتی ساخت و ساز ،تحقیقات ، اصفهان ، همه ی اینا رو آورده بود تو تعلیق .

سید محمد خاتمی : متأسفانه آقای البرادعی علی رغم قولی که ،یعنی علی رغم حرفی که زده بود و علی رغم معیارهایی که بود یک جور دیگری تعلیق رو مطرح کردن که به نظر ما امر بسیار خلاف اخلاقی بود .

یوشکا فیشر (وزیر خارجه سابق آلمان): ما هم در بازی پوکر ضعیف نبودیم.در بازی پوکر سیاسی ،منظورم اروپایی هاست.

ایران اکنون فهمیده بود که اشتباه کرده است ولی مقداری دیر شده بود! ۲۱ ماه فعالیت‌های هسته ای ایران در حال تعلیق قرار داشت و این تعلیق داوطلبانه هم مانع صدور قطعنامه شورای حکام علیه ایران نشد.

مقام معظم رهبری : من همان وقت هم گفتم، در جلسه ی مسئولین که بعدها از تلویزیون پخش شد، گفتم چنانچه بخواهند به روند مطالبه ی پی در پی ادامه بدهند بنده خودم وارد میدان میشوم وهمین کاررا هم کردم. بنده گفتم که بایستی این روند عقب نشینی متوقف بشه و تبدیل بشود به مسیر پیش روی و اولین قدمش هم باید در همان دولتی انجام بگیره که این عقب نشینی در آن دولت انجام گرفته بود و همین کار هم شد.

اما دیگر حسن روحانی در مدیریت پرونده هسته ای ایران نقشی نداشت و به دعوت هاشمی رفسنجانی به مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام رفت.

در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۲ حسن روحانی پس از ۸ سال دوری از عرصه سیاست با سودای ریاست جمهوری پا در کارزار انتخابات می نهد...